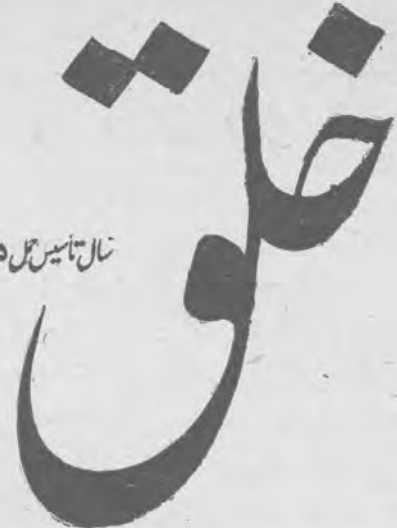




نال تاسيس ۱۳۴۵

خلك

شماره ۴ - دو شنبه ۱۲ ثور ۱۳۴۵ هـ ش ۲ می ۱۹۶۶ ع

وسایل و راههای که آرمانهای خلقهای مستعبدیده افغانستان

و مرام دموکراتیک خلق را به پیروزی میرساند
-۳-

الف: ضرورت تاریخی سازمان سیاسی نوع جدید

طی يك نسل انسانی، حکومت های استبدادی و مطلقه ملت زحمتکش مارا در تمام شئون زندگی اعم از اقتصادي، سياسي، اجتماعي و فرهنگي د چار انحطاط وقت با ری کرد و از رشد شعور اجتماعي و سياسي جوانان کشور ماهرانه بشیوه اداره استعماري و فئودالی جلوگیری بعمل آورد و استعداد سازمانی آنها را د چارجمود وضعف کرد.

هر طبقه حاکمه ارتجاعی و زمامداران مستعبد معمولاً از بیداری خلقها و بیداری شعور طبقاتی افراد ملت و بخصوص از روحیه سازمانی نیروهای ترقیخواه علمی وحشت دارد.

دردوره های حکومت سابق، بنابر سانسور شدید و بی رحمانه مطبوعات و ایجاد ترور و وحشت، حبس های بدون محاکمه، حتی منورین کشور نیز از اظهار نظراتیکه از آن مفهوم مداخله در سیاست استشمام میشد بیم و ترس داشتند و ولی بمصادیق این اصل که جهان در تغییر است، توفان جنبش های اصیل اجتماعي و نجات بخش ملل جهان سرانجام این منطقه تجرید شده از دنیا را نیز نکان داد و بآن ا لهام بخشید.

دهه اخیر، نقطه تحول بزرگه در جریانات بین المللی و تحول نسبی در حیات ملی مابود. امروز میرود که خلقهای افغانستان و جوانان روشنفکر کشور بسیاری نکات عمده را درک کنند و از سکوت وحشت انگیز دوره استبداد بیرون برآیند و شور و شوق به مبارزات پارلمانی، حزبی و نشراتی و ... پیدا نمایند.

نشر مرام دموکراتیک خلق تمام طبقات و قشر های ارتجاعی جامعه را نکان داد و در اثر آن دیده میشود که صفوف و جبهه ها مشخص تر میگردد، خطوط فاصل کشیده میشود و «مرا» جبراً مقام شامخ و علمی خود را در حیات اجتماعي احراز مینماید و عرصه را برای نیروهای ارتجاعی تنگ تر می سازد و عرصه نیروهای پیشرو تار یخ را در جامعه وسعت می بخشد.

همچنان جنبش دموکراتیک و مترقی (درس ۲)

کیست درین انجمن محرم عشق غیور
ماه مه بی غیرتیم آینه دو کر بلاست

قیام حسینی

«ان الحیة عقیده و جهاد»

حسین (ع)

واقعه المنای در آغاز تاسیس خلافت اسلامی رخ داد که تا هنوز بعد از هزار و چارصد سال در میان مسلمین آثار غم انگیز آن باقیست. در تحلیل علمی، منشأ طبقاتی آن معلوم است. افسکار و شخصیت امام حسین (رض) و رهبری آن از جنبش ستمکشان و هواخواهان عدل و تقوی و سادگی، سیاست و عدالت اجتماعي صدر اسلام بهادانه مذکور شکل جنبش انقلابی داده است. به این معنی که در تاریخ چنان (درس ۴)

معارف متوازن (!)

استیضاح و لسی جرگه از حکومت در اطراف تعمیم معارف متوازن طبق ماده (۳۴) قانون اساسی در جلسه ۳۰ حمل صورت گرفت. با وجود اینکه و لسی جرگه افغانستان از لحاظ ماهیت خود يك جرگه تحت نظام اقتصادی - اجتماعي نسبتاً مسلط طبقاتی است اما عده ای از و کسلا و لسی جرگه - بنابر مسیر تاریخی، عوامل عینی و ذهنی، شرایط ملی و بین المللی، بیداری و انکشاف شعور سياسي و اجتماعي مؤلدين و عموم خلقها، در مورد مسائل مهمه حیاتی قضایات نسبتاً آزاد، بیطرفانه و دموکراتیک مینمایند. چنانچه در همان جلسه ۳۰ حمل معایب و نقایص دستگامه

حکومت را در مورد تعمیم معارف متوازن، همه جانبه و نسبتاً بصراحت و آشکارا انتقاد کردند و بطور کلی در باره مسافهم آتی الذکر اقدامات حکومت استیضاح شد.

بعضی از وکیلان محترم حکومتهای سابق و موجوده را باین سبب مسؤل و مورد انتقاد قرار میدادند که قسمت بزرگ بودجه معارف را در کابل بمصرف رسانیده و به ولایات کمتر تخصیص داده اند بدین دلیل که عمارات باشکوه و بزرگ معارف تنها در کابل بنایافته است و شهریان کابل اضافه تر از وسایل تعلیم و تربیت برخوردار گردیده اند.

عده دیگر کمبودی برسوئل تعلیمی و نقایص کمی و کیفی نصاب پروگرامهای معارف را یاد آوری و حکومت هارا انتقاد و محکوم به سهل انگاری مینمودند.

هکذا یکتن از و کلا علت عمده نواقص کیفی پروگرامها و بصورت عمومی پایین بودن سوئے تعلیمی و تربیتی معارف افغانستان را بسته به نفوذ بعضی از ممالک خارجی از آن جمله دختران و پسران جوان (بیسکور) امریکائی خوانند که بمقاصد «دبیلو ماتیک» وارد افغانستان شده و در نتیجه موجب انحطاط اخلاقی جوانان و ... میگرددند. موصوف در این باره چگونگی وضعیت لیسه احمد شاه بابا را در قندهار مثال داد.

عده دیگر به نمایندگی جریبان دموکراتیک خلق موجودیت طبقه حاکمه فئودالی و نفوذ استعمار فرهنگی و عدم آزادی تعلیم و ... را در معارف کشور عوامل پسمانی و عدم رشد معارف ملی، مترقی و دموکراتیک خوانند. (درس ۳)

دولسی جرگی استیضاح ته یوه کتنه

د پنځو کسو وزیرانو به خصوص کښی دایره شوه چه دوی داساسی قانون د (۸۹) مادی داصل او د و لسی جرگی دداخلی وظایفو د (۲۹) مادی به خلاف لومړی تر هغه چه د و لسی جرگی نه (باتی به دریم مخ کښی)

ددی دپساره چه زموږ ګران هیواد وال د و لسی جرگه د استیضاحی جرگه ناسا تو غږه خبره شی اوس موږ د و لسی جرگی دغه استیضاحی پېښی به لاندی ډول به لنډه توګه تحلیل وړ د حمل ۲۳ نېټی استیضاحی غونډه

دګران افغانستان د و لسی جرگی وروستی جریانات او پارلمانی ژوند ملی او بین المللی پوشرایطو او داساسی قانون د دموکراتیکو ارزښتونو پر بنسټ یوه نوی بڼه غوره کړی ده.

اساساً زموږ و لسی جرگه (له اقتصادی نظرنه) یوه داسی جرگه ده چه په هغه کښی طبقاتی تمايلات ډیر څرګندېږی. مثلاً کله چه خبره د دهقانانو د استعمار دستم دورکولو به خصوص کښی مینځ ته راشی نو که څه هم دا خبری د علم منطق او دقو لنی دعیني تکامل پر قانون باندی بناوی خو بیاهم هغی له دوی نه دخپلو طبقاتی ګټو د ساتلو د پاره دغه ملی دموکراتیک او اصولی خبری به ډول ډول وسایلو رده وی.

اودغه ښو پیشنهاد او د خلکو په ګټو بلانونه هیڅ څوک نه ایزدی. او عجیب شوه ما شور جوړ کړی چه دهغه به اثر د حق دغه خبری د وطن خواهانو دموکراتو او ملی عناصرو غوک و ته و نه رسېږی او دمخرو مو طبقو د نمایندگانو خبری غوڅو شی.

دمی لومړی ورځ

دپاره جوړشو چه دکار وخت دی دورخی (۸) ساعته وی. به عمده کانسکرې کښی د شیکاګو دمظاهری دپاڅوئی په وېل دمی لومړی ورځ دنړی د ډولو کارگرانو ورځ رسماً تصویب او ومنله شوه او په ۱۸۹۰ کال کښی دا ورځ دنړی په ډیروملکو کښی ونمانځله شوه او اوس دقو لی نړی دکارگرانو د ورځی په حیث قبوله شوی ده.

خلق: دکارگرانو د ډی تار یخی ورځی یا د و له او نمانځنه کوی او د افغانستان او دنړی قو لو کارگرانو او د یادایستو نکو ته تبریک وایی.

دمی لومړی ورځ دنړی دقو لو کارگرانو دیووالی او ورولی ورځ ټاکل شوی ده. په دې ورځ کښی دنړی ټول کارگران رخصت دی او جشنونه نیسی.

دمی په لومړی به کال ۱۸۸۶ کښی د امریکای د شیکاګو په ښار کښی کارگرانو یوه ستره مظاهرة وکړه او په هغه کښی یی وغوښتل چه دکار وخت دی دورخی (۸) ساعته وټاکل شی.

خو بولیسو پردوی ډزی وکړی او یو ډیر شمیر کارگران می مړه کړل. په کال ۱۸۸۹ کښی د دوهم انټرنیشنل یو کانګرس په پاريس کښی د دې

اصطلاحات و مقولات اجتماعی

(ط - ب)

-۲-

اقسام طبقات : در جوامع طبقاتی بصورت کلی دو قسم طبقه موجود است یکی طبقات اصلی و دیگری طبقات فرعی. طبقات اصلی آنهاست آنده که بدون آنان طرز تولید متداول جامعه نمیتواند بوجود بیاید آنها با طرز تولید مسلط جامعه در ارتباط مستقیم اند مانند ملاک و بزگر در جامعه زمینداری و سرمایه دار و کارگر در جامعه سرمایه داری طبقات دومی آنهاست آنده که با طرز تولید مسلط جامعه در ارتباط مستقیم نمی باشند مانند تاجران در جامعه زمینداری و دهقانان در جامعه سرمایه داری.

اقشار طبقات : علاوه بر اقشار اجتماعی مستقل (مانند پیشه واران) افراد طبقات بزرگ و اصلی هم بروی يك خط افقی قرار ندارند، همین دسته های خود در (سکشن ها) که با هم بیشتر شبیه اند اقشار مختلف طبقات را بوجود می آورند مانند چند قشر زحمت کشان یا اقشار ملاکان (بزرگ و کوچک) و غیره.

تناقضات طبقات : چون منشأ ظهور طبقه مالکیت منفردانه و سایل تولید اجتماعی است لذا با تناسب تکامل آن نابرابری های اقتصادی - اجتماعی نیز زیاده شده و میان طبقات يك

سلسله تناقضات بوجود آورده است این تناقضات میان طبقات اصلی متخاصم و میان طبقات فرعی غیر متخاصم است. **تناقضات طبقات :** به نسبت وجود تناقضات همیشه در میان طبقات تناقضات موجود است، تمام تضادهای اجتماعی - اقتصادی و در حقیقت تمام حوادث و وقایع تاریخ عبارت از همین تناقضات طبقاتیست که بسلا نقطاع گناه مخفی و زمانی اشکار دوام دارد و بگفته می: (در طول قرنهای بصورت یکسکسی از مهمترین خصوصیات تکامل بشریت در آمده است).

شبه طبقه : دسته های اجتماعی مانند (روشنفکران) که اصلاً مربوط طبقات اصلی یا فرعی جامعه هستند نسبت بعضی وجوه مشترک موقعیت اجتماعی موقتی شبیه پیدا میکنند و يك (شبه طبقه) را تشکیل میدهند و در تحلیل آخری به طبقات اصلی خود باز میگردند.

حزب طبقه : نمایندگان مدافع سیاسی منافع يك طبقه در ماموریت خود حزب طبقه اند که از روشنفکران همفکری بصورت اتحاد داوطلبانه بوجود میآید. اینها اشخاص خیر طبقه اند و این سازمان سیاسی عالی ترین شکل تشکیلاتی طبقاتیست که طبقات را در تناقضات شان رهبری میکند. (باقی دارد)

وسایل و راههاییکه...

(از س اول)

محفل بازی، خرده کاری، بی اصولی چین و تامل و روحیه خودخواهی فیو دالی خاتمه داده شود و لیرا اقدام به تکامل سازمان نوع جدید و عالی (دموکراتیک خلق) کنند.

تاریخ شکست های تلخ نهضت های خود بخودی توده های مردم و مبارزات ملی و مشروطه خواهی کشور بخصوص طی پنج دهه اخیر بما می آموزد که يك جنبش، فقط از طریق انکشاف سریع صنایع ملی و تشکیل طبقه کارگر و ایجاد سازمان سیاسی قوی و متمرکز که با یسار و لوی علمی مجهز باشد و قدرت رهبری مبارزه خلقی را بر پایه های تشکیلات مستحکم و مرام علمی و روشن (همچو مرام دموکراتیک خلق) استوار سازد، میتواند به پیروزی نهایی رسد. در تحت شرایط جدید تاریخی و در وضع موجود کشور نقش رهبری سازمان در نهضت دموکراتیک و خلقی ضد مناسبات منسوخ فیودالی (ملوک الطوائفی) و استعمار و استعمار را میر با لیبستی از مسایل میرم حیات سیاسی بشمار میرود.

سازمان سیاسی نوع جدید افغانستان که ناشر افکار دموکراتیک خلق در راه تکامل آن مبارزه «قانونی» مینماید همانا عبارت خواهد بود از يك دسته پیشاهنگ طبقه کارگر با تاج دهقانان

جبراً بر شد خویش ادامه میدهد و گامهایی بجای میبرد و روز بروز احیای روح دموکراسی و آزادی سیاسی در میان قشرهای مختلف طبقات اجتماعی بطور غیر مستقیم ظاهر میگردد. واضحاً بمشاهده میرسد که افغانستان دیگر از رشته شرایط سیاسی گذشته وارد زمان جدید گردیده و در مقدمه مرحله يك جنبش قابل ستایش نوین پامیگردد.

شرایط مساعد ملی و بین المللی بیان کننده این واقعیت است که این مرحله جدید به استواری دموکراسی ملی منجر میشود و در جنبش، گروه واقعا پیشاهنگ و ترقیخواه با بیدار مبارزه میگذارد و در نتیجه موجب پیشروی دموکراسی ملی بسوی دموکراسی اصیل اجتماعی میگردد و مرام دموکراتیک خلق منبسط قانون عینی تکامل جامعه در این مرحله تاریخی تحقق مییابد.

تاریخ در برابر تمام عناصر، محافل و نیرو های ترقیخواه علمی، دموکراتیک و وطن پرست که به جهان بینی علمی صادقانه ارتباط دارند ضروری ترین و نزدیک ترین وظیفه را قرار داده است تا به خصوصیات دوره سابق و کهنه از قبیل

علم و فلسفه نو

(دو کتور - ش)

پیشرفت های شگرف علم امروزی بمنزله آتشی بود که بر خرمن جهالت کوتاه نظری، تعصب و اوها م پرستی افکنده شد و راه را با کشفیات بزرگی چون قانون بقا و تحول انرژی، تیوری ساختمان حجروی موجودات زنده، تیوری ارتقا و تیوری اتمی و غیره برای رشد فلسفه نوین و علمی باز کرد و فلسفه علمی نوین نیز به نوبه خود با یقین بر علم راستوار ترساخت و زمینه پیشرفت بیشتر آنرا فراهم آورده و در نتیجه درهای کیهان را با سپو تیک ها، وستون ها و لوانا ما برای انسان کشود عصر کیهان را آغاز نهاد.

قدرت رزمندگی سیاست و فلسفه نوین در اینست که قوانین حاکم بر طبیعت و اجتماع را آشکار ساخت و راه استفاده از این قوانین را به سود بشریت و طرق تأمین حیات مرفه و آبرومند نشان داد و با نور دانش اصیل بر آبرو کی جهالت چیره گشت.

سیانسی اصیل قوانین حاکم بر طبیعت و رشد نیرو های طبیعت و جامعه را کشف نموده، پیش بینی نو را ممکن ساخت و راه آینده انکشاف را روشن کرد در جامعه ای که علم نو و اصیل راه نیافته است نمیتوان ادعای انکشاف نمود و در انتظار آینده در خشانی نشست که مبتنی بر نیرو های مولده متکامل و تکنولوژی مدرن باشد. جامعه افغانی با وجود تشنگی روز -

افزونی که برای کسب دانش دارد، از سیانسی و فلسفه نو بنابر عوامل استعمار خارجی و ارتجاع و استبداد داخلی بکینار نگاه داشته شده است. از همین سبب خلائی که در انرفقدان علم در اذهان مردم ایجاد گردیده با افکار تعصب آمیز و ارتجاعی پر شده و بر خورد تعصب آمیز بمسایل عمده ای که باید در بر تو سیانسی و فلسفه نو مطالعه گردد مدارا هنوز هم از کاروان سریع السیر علم دور نگاه میدارد.

برای آنکه بر اساس علم نو دگرگونی ای در اذهان مردم خود ایجاد کنیم وسایل زیادی را بسایید بکار بندیم اما آنچه مربوط بفرود وطن پرست و مترقیست: باید تا حد توان بکوشیم که هر چه زود تر خود را با دانش نو آشنا سازیم و تعصب و کوتاه نظری را بدور افکنیم.

جریده خلق که ناشر افکار دموکراتیک خلق است وظیفه خود میداند که هموطنان عزیز و جوانان روشنفکر را تا حد امکان در این راه کمک کند و درین سلسله اصطلاحات، مقالات و مباحث علمی و فلسفی نوین را نشر نماید.

اصطلاحات علمی و فلسفی نو: فلسفه: کهن ترین شعبه دانش بشریت که بحل مسایل عمومی سیانسی و اولتر از همه بمسأله رابطه بین شعور و ماده می پردازد و بر مبنای حل علمی این سوال عمده فلسفه، عمومی ترین قوانینی را استخراج می نماید که بر اساس آن طبیعت و اجتماع تکامل میکنند. بقول یکی از فلاسفه، فلسفه قابل تشبیه به تنه درخت بزرگ است که شاخه های متعدد آنرا دیگر علوم تشکیل میدهند طوری که هیچ درختی نمیتوان بدون تنه و شاخه ها سراغ کرد، سیانسی و فلسفه را نیز نمیتوان جدا از هم دیگر درک کرد.

علم (سیانسی): سیستمی است از دانش انسانی درباره طبیعت، اجتماع و تفکر که جهان را درمفاهیم، موازین مقولات و قوانین انیسکاسی میدهد که راستی و درستی آنرا تجربه عملی به اثبات میرساند.

ایدیا لژی: شامل مجموعه نظرات و افکار سیاسی، قضایی، اخلاقی هنری و دیگر اندیشه های يك طبقه مشخص جامعه است.

اسلوب (میتود): مجموعه موازین مشخص و طرق مطالعه تیوری و شیوه های فعالیت عملی است که در فلسفه و دیگر علوم راه رسیدن به هدف را نشان میدهد و از اینرو هر علم و فلسفه اسلوب جداگانه دارد که مختص بخودش است.

«باقی در شماره آینده»

و منورین مترقی که نیروی رهنمون نهضت دموکراتیک بجهت هدف نهایی میباشند. نیروی رهنمون دموکراتیک خلق وظیفه دارد تا بخاطر تطبیق «مرام» خود مبارزه خلق را علیه استبداد و ارتجاع متحد ساخته و راه ساختمان يك جامعه آزاد، دموکراتیک و خوشبخت را بآنها نشان دهد و همه خلق را بیدار سازد و جنبش را بر ضد فیودالیزم، امپریالیزم بسط و توسعه دهد و نظم مشروطیت دموکراسی را برپا سازد و قدرت های مطلقه سیاسی و اقتصادی و مناسبات کهنه نو لیدی موجود را که مانع جدی و سرسخت در راه ترقی اجتماعی و انکشاف نیرو های تولیدی و دموکراسی اصیل اجتماعی است برافکند.

از کلیه سازمان ها بیکه بوسیله طبقه زحمتکش خلق ایجاد میگردد، فقط سازمان سیاسی آن میتواند که از مصالح عالی و اساسی توده های عظیم مردم دفاع نماید و قسمت با شعور و پیشرو طبقه باشد و آنرا بجانب پیروزی کامل و هدف نهایی رهبری کند. برای این منظور زحمتکشان خلق نیازمند بیک سازمان نوع عالی دارند، سازمانی که خود را تنها به رفع احتیاجات روزمره مردم محدود نسازد بلکه هدف آن مبتنی بر رساندن طبقه زحمتکش خلق به غایه مطلوب و تغییر اساسی جامعه استوار باشد و ریشه های خود را در اعماق توده های مردم توسعه دهد. چنین يك سازمان در کشور

(از ساول)

معارف متوازن

متذکر شد که اینگونه حکومت از لحاظ منافع طبقاتی خود نمیگذارد که عده بیشتر فرزندان خلق از مزایای عالی معارف ملی مستفید گردند و در نتیجه به پیشرفت و ارتقای اقتصادی و سیاسی کشور خدمات برارزشی را انجام دهند. اما باید خاطر نشان ساخت که در این استیضاح اکثر و کلاً به علل و عوامل اصلی عدم توزیع متوازن و سبیل تعمیم معارف طوریکه لازم است تماس نمیگرفتند و موضوع تعمیم متوازن معارف را بصورت یکجا نبه یعنی براساسی (سهم و ولایات و مرکز) طرح نمینمودند. باید گفت که موضوع استفاذه از وسایل معارف اولتر از همه يك موضوع طبقاتیست. همچنانیکه يك نظام اقتصادى-اجتماعى فیودالى و بورژوازی قادر به توزیع وسایل مادی زندگی جامعه بصورت متوازن و مطابق استحقاق و زحمت هر کس نیست و وسایل معارف را نیز نمیتواند در دسترس همه طبقات ستمکش بگذارد و باین جهت شرايطى برای پیشرفت و انکشاف همه شقوق اقتصادى و اجتماعى پسر و نسل کسافى و صحیح تهیه نمید.

بمبارت دیگر در همچو سیستمها بنا بر عدم رشد کافى قوای تولیدى و متنا سب نبودن روابط تولید تمام وسایل حیاتی منجمله معارف محدود و ناکافى بود. و آنچه که هست آنهم از طرف طبقات حاکمه بنا بر شرایط مساعدى که در اختیار آنهاست بصورت يك جانبه مورد استفاده قرار میگیرد.

در افغانستان عزیز نیز وضع بهمین ترتیب است چه باوجود آنکه مصارف معارف از دسترنج و کار ۹۵ فیصد طبقات مولد و زحمتکش کشور پرداخته میشود، باز هم توده هاى مردم از تسهیلات معارف عمومى و مجبى برخوردار نشده نمیتوانند.

علت این امر - سیستم اقتصادى-اجتماعى-ملى از طرف عده معدود و دی جذب میشود و فرزندان خلق مجال تحصیل را نمیبند و هم طبقات و اقشار حاکمه مانند فیودالها تجار عده کمپرا دور سرمایه داران، بوروکراتها از تمام نعم مادی و معنوى معارف بمراتب بیشتر از خلق متمتع میگردند. و این بذات خود علاوه بر این که توازن معارف مارا برهم میزند تناقض و تضاد عمیق اقتصادى و اجتماعى را نیز بین طبقات تشدید میکند که با اتخاذ تدابیر و وسایل سطحى و عادى این تضادها ریشه کن شده نمیتواند.

مثلاً: در کابل که واقفاً حصه کلى بودجه معارف افغانستان بصرف میرسد باز هم عملاً دیده میشود که اکثریت بزرگ اطفال طبقات زحمتکش کابل به

داعتماد رأى و اخستله شى دوزبران به حیث مقرر شوى وو. دولسى جرگى ددا خلقى و ظا يفو (۲۹) ماده داسى خرگندوى: «که د حکومت وتشکيلدو به وخت کښى مخبى وزیران ټاکل شوى نهوى، صدر اعظم مکلف دى چه لومړى دهغو تر ټاکلو لسى جرگى ته معرفى کړى او د اعتماد رأى وغواډى.» د اصولنامى له دغى مادى سره سم د حکومت رئیس، باید د نوى وزیرانو دپاره لومړى تر هغه چه فرمان یسې و اخستل شى د اعتماد رأى د غوښتنى وای. که غه هم دغه استیضاح دیوختونو وکیلانو له خوا پر مستندو، قانونى، تاریخی و سیاسى دلائلو وشوه. خود حکومت توضیح دولسى جرگى اکثریت ته قناعت ور نه کړای شوى.

نوپه دغه سبب دولسى جرگى به بله غونده کښى داسى فیصله وشوه چه په دغه برخه کښى دى کوم تصویب ونشې. په دى ډول دولسى جرگى د داخلى و ظا يفو د اصول (۲۹) ماده دیو دموکراتیک اصل به حیث برهائى پاته شو او دهغه حقوقى اعتبار

نسبت نداشتن شرایط لازم برای تعلیم و تربیت و لوایتهائى هم باشد موقع ندارند و حصه کلى بودجه معارف از طرف قشر لوروکرات، تجار کمپرا دور و غیره افشار آسوده حال کابل جذب میگردد. همچنین در ولایات و دهات اطفال کارگران و دهاقین و سایر قشرهای غرب و نا توان از همان تخصیصیه هاى قلیل معارف که از مرکز برای شان ارسال میگردد نیز برخوردار شده نمیتوانند و در نتیجه از حد اقل تعلیم که حق قانونى شانست محروم میگردند.

بصورت کلى در افغانستان (۳۲۸۵) شاگردان و ذکور وجود دارد و اکثریت قاطع آن منحصر بطبقات حاکمه مى باشد.

این عدم توازن در استفاده از وسایل معارف یسکى از عوامل دی-گرست که موازنه حیات اقتصادى، اجتماعى و سیاسى خلقهارا برهم زده ناآرامیها و تشنجات اجتماعى را بار آورده است. بعقیده ما در چنین احوال حکومت

که از نظر موقف طبقاتى خویش از همه اولتر حامى و حافظ منافع اقتصادى و اجتماعى طبقه خود و سایر قشرهای حاکمه است کمتر توجه دارد تا عدالت کامل و صحیح را در تقسیم و سبیل تعمیم معارف طبق ماده (۳۴) قانون اساسى چه در بین طبقات مختلف و چه بین ولایات کشور تأمین کنند. ولى باوجود آن چون حکومت ادعاى

دولسى جرگى استیضاح...

(د لومړى مخ باتى)

بیا هم تأیید شو.

هکله چه د حمل ۳۰ د غونډى استیضاح د خلق د جرگى دهمدې گڼې په سر مقاله کښى ښه اصولى تحلیل شوى ده. نو له دى جبهه د دور دغه نېقى بر استیضاح باندې لږ مکت کو و.

د دور دغه نېقى استیضاحى غونډه د هیواد په داخل کښى د ښاغلى صدر اعظم د مسافر تونو او داساسى قانون د مواد د تطبیق په برخه کښى دده د انتباهاتو په هکله داړه شوه. په دى جلسه کښى ښاغلى صدر اعظم لومړى نمایندگانوته لږ را پور وړ کړ. ورپسې دولسى جرگى نمایندگانوته مشکلات او مسائل طرح کړل کوم چه د حکومت اود قضایى قوې لاندې ادارى څخه د دوى په انتخابى حوزو کښى مینځ ته راځي.

د نمایندگانو د شکا پاتو مفهوم غالباً په دى برخه کښى وه چه داساسى قانون هغه فصل چه دخلکو په حقو قو پورې اړه لري تر اوسه پورې د هیواد په ډېرو برخو کښى نه دى تطبیق شوى او ښاغلى صدر اعظم داسى خبرې کولې چه گواکى

ملى بودن خود را در هر زمان و مکان به ذرایع مختلفه وانمود مى سازد پس وظیفه و مکلفیت او در تمامین توازن صحیح و دموکراتیک معارف بین طبقات مختلف کشور و ولایات، طبق قانون اساسى و مرام دموکراتیک خلق هویدا و آشکار است.

زیرا يك حکومت ملي همیشه نظراً و عملاً برای تأمین منظور مذکور و برای تهیه زمینه و شرایط مساعد جهت از بین بردن سیستم اقتصادى - اجتماعى فیودالى که عامل همه بدبختیهای حیات ملي ماست با تمام اشکال رو بنامى آن مبارزه میکند و به این صورت راه را برای آمدن يك دموکراسى ملي که بر جهان بىبنى علمى متكى باشد بدون انحرافات و فرو گذاشت باز مینماید.

مصالح اساسى و حیاتی ملي ايجاب میکند تا حکومت و شورى ماهیت جانبدارى طبقاتى خود را به اثر ايجابات او ضاع عینى و ذهنى و مقتضیات عصرحتى الامکان نرمتر و سبکتر گردانند و بتدوین، تصویب و تطبیق قوانین دموکراتیک بپړ داذد که در اثر آن اصلاحات اساسى ارضى،

وملى شدن تجارت خارج تأمین گردد تا توسط این قوانین از یکطرف منابع مهم تولیدى در اختیار عامه یعنی تمام طبقات محروم کشور قرار گیرد و از جانب دیگر منابع کافى تمویل معارف ملي، مترقى و خالى از نفوذ فیودالى و استعمارى را در کشور وسیعاً بوجود آورد. (ن)

هغه د دوى د پوښتنو توضیحات دى همدا ډول د خلق دموکراتیک نمایندگانو د هیواد د دوسته پاته والى فقر، ناروغی، نابوهى اساسى علت چه زمونږ د اقتصادى گړندى پرمختگ او داساسى قانون د دموکراتیکوارزښتنو نو د تطبیق مانع گړزى داو با له، چه په افغانستان کښى د فیودالیزم (ملوک الطوائفى) نفوذ ډیر او غښتملى دى او وى و پل دا چه دغه اقتصادى او اجتماعى سیستم د محروم و خلکو د ژوندانه پر وړلو له خوندناوړه اغیزه کړى ده، یو تاریخی واقعیت دى چه په هېڅ ټوکه دهغه نه انکار نشى کیدای او د هغه څخه انکار دامعنى لري چه د جامى پیژندنې د نوى علم څخه انکار وشى. حال دا چه دغه تلقى او عمل ژر یا وروسته د تاریخ له خوا محکوم کیدونکى دى.

نور احمد

(د پنجواڼى وکیل په ولسى جرگه کښى)

لغات

واصطلاحات مرام دموکراتیک خلق

امپریالیزم: هالینرین و آخرین مرحله سرمایه داری که از اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن بیستم آغاز شد. امپریالیزم سرمایه داری آن مرحله است که تسلط انحصارات و سرمایه مالى برقرار شده و صدور سرمایه (مثلاً و خفیف و غیره) جای مهمی را اشغال میکنند. ستراتیژی: علم رهبری مبارزه

طبقاتى خلقهای زحمتکش بجهت هدف عده در يك مرحله معین تاریخی (مثلاً در کشور ما مرحله جنبش دموکراسى ملي).

بوروکراتیزم و بوروکرات: بوروکراتیزم عبارتست از اداره امور از طریق کاغذ پرانی، مقررات تراشى عدم علاقه به ماهیت مسائل، جدائی از خلق و بى اعتنائى به احتیاجات و خواستههای خلق.

بوروکرات مامورى را میگویند که بپرو و بایبند بوروکراتیزم باشد.

سکتور دولتى: شق دولتى اقتصاد که براساس سرمایه گذارى از طرف دولت وجود مى آید و جز منکبت دولت بشمار میرود. (مثل موزسازى جنگلسک، کانال نسکرماد، بند برق نفلو، دستسگام استخراج گاز و نفت و سیلوهائى نان بزی و غیره).

کمپرا و ریادلل: بآن قشرى از بورژوازی (طبقه سرمایه دار غیرملى) گفته میشود که عایدات بزرگ آن بکمک سرمایه امیر یا لیستى از طریق فروش محصولات خارجى بدست میآید.

زمون وظيفه

په خلکو کښې اوسيدل
د خلکو په احساساتو پوهيدل
د خلکو په شاوخوا کښې په هر څه پوهيدل
په خلکو پوهيدل
د خلکو سره په سلوک پوهيدل
د خلکو اعتماد گټل

(.....)

د خدايي خدمتگار ستر مشر پاچا خان

د خلکو د دموکراتيکو غوښتونو په منځ کې

د ستگير پښچشيري

خان عبدالغفار خان د پښتونستان د استعمار او امپرياليزم ضد او د ملي جنبشونو ستر لارښوونکی د نورو د مياشتې په لومړۍ نېټه په داسې حال کې چې د افغانستان د بيلو بيلو سيمو او خلکو د غږونو منورينو او غوږنو له خوا ورته هر کلي ويل کيده - د پاچا خان نور محمد (تره کي) د خلکو د دموکراتيک جريان ترقي غوښتونکی شخصيت او د پښتو د ريلستيک ليکوال کورته تشرېف يووړ. او تقريباً د پنځو ساعتو د پاره يې د افغانستان د خلکو د لوفو او زامنو سره ډيرې ښه خبرې اترې وکړې.

خان عبدالغفار خان د پښتونستان يو ملي او د استعمار ضد غږونکی قهرمان دی چې په خپل ټول ژوند کې يې د انگرېزي امپرياليزم او د دوی د اجيرانو په مقابل کې ډېرې مبارزې کړې دي.

د پښتونستان ستر مشر د يوې پوښتنې په ځواب کې د استعمار او امپرياليزم په ضد د خپلو ټولو پسي مبارزو په تيره بيا د پښتو د چارو سدي او قصه خواني د قهرمانانه جنبشونو په شاوخوا کې مفصل معلومات ورکړل. او په ډېره واقعپېښۍ يې د پښتونستان د خلکو د اجتماعي ژوند پخوا يو ناوړه حالاتو ته ګوته ونيوله او د انگرېزي او نورو امپريالستانو ټولې هڅې د سيمې او د اومه ماري يې رسوا کړې چې د هند د سيمې قاري، آسيا افرېقا او په تيره بيا د پښتونستان او افغانستان د آزادۍ غوښتونکو خلکو سره يې په ډېرې بشپړۍ کې دې او کوي يې.

پاچا خان د خدايي خدمتگار د فلسفې په هکله وويل: «څرنگه چې خدای ته خدمت ضرورت نشته نو د هغه د مخلوق خدمت د خدای خدمت دی».

وروسته تر دې خان عبدالغفار خان د پښتونستان د ملي او استعماري ضد قهرمان وويل: «انقلاب يو سيلاب دی کوم قومونه چې وږي او بې اتفاقه وي هغه وږي او کوم قومونه چې وږي او بې اتفاق وي نو هغوی ترې فايده او چټوی». پاچا خان وويل: «له هغو مهمو نتايجو څخه چې ما د خپلې اوږدې مبارزې او سياسي تجربې څخه اخستي دي هغه دادي چې هر کله ملي تخريکات، اجتماعي شعور او استعماري ضد جنبشونه په کليو او خلکو کې نفوذ وکړي او په دې ملي تخريکاتو او جنبشونو کې پسيغلي او ميرمنې د آزادۍ غوښتونکو شازلمو سره اوږه په اوږه پرمخ ولاړې شي نو بيا داسې ملي او استعماري ضد مبارزې

نه ماتيږي او بريالۍ نهضت وي او هيڅ راز امپريالستي او ارتجاعي د سايس نشي کولی چې هغه شنېده کړي». د پښتونستان ستر مشر د خپلې وينا په ترڅ کې د خدايي خدمتگارۍ او کانګرس د سياسي جرياناتو د متقابلې مرستې او په ګډه سره د عدم تشدد په اساسي درنځ او عذاب نه ډکې اوږدې مبارزې يادې کړې. او د پښتونستان د ملي او امپريالستي ضد ټولې هڅې د مبارزې بيان کړې کومې چې د هند د آزادۍ او د هند د تجزيې نه وروسته د پښتونستان ملي جنبشونو او جرياناتو د خپلې ملي خپلواکۍ او دخوداراديت حق په لاره کې کړي دي.

پاچا خان په پای کې وويل: «انگرېزي او نوي استعماري طاقتونه په دې چې پوهيده او پوهېږي چې په پښتون کې سياسي شعور او د استعمار ضد جذبات پاته وو او پاته دي. نو ځکه دوی غوښته او غواړي چې د پښتون د سياسي شعور په هر ډول چې وي مړ کړي ځکه چې انگرېزي امپرياليزم او د هغه تالي هڅې په دې حقيقت ښه پوهيدلي دي چې که پښتانه خلق وپېښ شي نو به آسيا کې به د استعماري په ضد يو لوی او ټينګ مورچل مينځ ته راشي. او همدا وجه وه چې ماته يې اجازه نه را کړه چې د آزادو قبايلو او با دافغانستان د خلکو سره وګورم او د خپل قومي وحدت قصه ورته وږاندې کړم».

اوس مې چې موقع وموند له دادي راغلم او غواړم چې د پښتون د يومخلص په شان د قومي او قومي وحدت د پاره خدمت وکړم».

پاچا خان د اميد نه په ډک زده زياته کړه: «څو څرنگه چې د خدمت د ټولو پښتون (د پاچا خان مراد د پښتونستان او د افغانستان ټول ولسونه دي) خدمت دې نو ځکه»

قر با نيمان

ویرانه ها

در قبال بد بختی های بیشمار خلق ز حمتکش و فقیر، مرگ و حشتناك ۱۳ مرد، زن و طفل سیه روز هموطن ما حادثه غم انگیز دیگری بود که سیمای فلاکت بار زندگی مردم نیمه برهنه، گرسنه، مریض، بی سرپناه و محکوم کشور را آشکارا ساخت. انهدام يك سقف (در نخاس) در اثر بارانهای چندروزه و کشته شدن يكدمه انسانها يک همنوزشور جوانی و اميدهای زندگی در قلبشان موج ميزد. يك تصادف طبيعي و يك مرگ ساده نبود، بلکه اين نوع مرگهای نا بهنگام نمودار نارسايی های يك نظام فر توت فيودالی و عقب ماندگی اقتصادي، سياسي و اجتماعي است. اگر مردم، کار و حداقل وسايل زندگی را دارا باشند، صحت غذا، لباس و منازل مستحکم و سالم برای آنان تأمین گردد، هیچگاه زندگی شان مورد دستبرد حوادث ساده طبيعي قرار نمیگردد.

يك نگاه عادی به همین شهر کابل پایتخت کشور عزیز کافيت که همق و سطح تضاد و اختلاف زندگی مردم را روشن سازد.

در يك گوشه آن کاخهای باشکوه و افسانه آمیز آباد میگردد و در گوشه دیگری آن مردم در کوچه ها و پس کوچه ها در کلبه های فرو ریخته و ویرانه های متعفن، کثیف و کشنده دو لجنزار سر نوشت اندوهبار دست و پامیز نمند.

خلق: در حالیکه عمیق ترین تأثرات و طغنداری خود را نسبت باین حادثه موحش و لرزا نمده ابراز میکنند یقین کامل دارد تا چنین تضادهای عمیق بین زندگانی مردم مامو جود باشد جلو گیری از همچو حوادث کاری دشوار و مشکل خواهد بود.

زما در پښتون بچي نه داهيله ده چه زما سره په دې قامي او پښتنی خدمت کې برخه واخلي.

د خان عبدالغفار خان د مفصلي وينا نه وروسته د خلق د جريدې د امتياز خاوند ښاغلی نور محمد (تره کي) دافغانستان د بيلو بيلو سيمو مترقي او غوږنو عناصرو او په ولسي جرگه کې د خلق د دموکراتيک جريان د غوښتونکو کيلانو په نمايندګۍ يوځل بيا د پښتونستان ملت د خوداراديت حق د خلکو د دموکراتيک مراۍ په اساس تاييد کړ.

داغم از بگذشته ها

بر شما...
بر شما ای خلق محنتکش، سلام!
بر شما ای خلق غمپور، درود!

✽

من که عمری در قفس
هر نفس:

شاهد بیداد گلچین بوده ام
روز گارانی دراز

دیده ام با چشم باز
وحشت غارتگران باغ را

✽

در چمن هر بامداد:

بیش چشمم گلفروش

غنچه های تازه راز شاخه های نامراد
میدرود.

بارها زین ما جرا

حسرت مرغان صحرا خورده ام

داغم از بگذشته ها!...

داغم از بگذشته ها!...

✽

حال کز غم رسته ام

و آن قفس بشکسته ام

گشته ام از دام بیدردان رها

بر بزرگ دره ها

یا بیای کوهساران، از فراز صخره ها

درفضای روستا

همنوی آبشار:

بیشتر از شرح داغ بندگی

بیشتر از مژده آزادگی

می فرستم بر شما:

بر شما ای خلق محنتکش، سلام!

بر شما ای خلق غمپور، درود!

بارق شفيعی

(از ص اول)

قیام حسینی...

اوقاتی می آید که برای نجات خلقهای ستمدیده (مبارزه بخاطر مبارزه) ضرورت است در حالیکه سخنی هم از تناسب قوا در میان نباشد. همدای کربلا قهرمانان غیور و سر سپردگانی هستند که بایستی الهام بخش مبارزین رها می مردم مظلوم گردند.

شیعت امام حسین (ع) در طول

این تا ویش همیشه بحیث ابو زسیون

و جربان ضد یزیدها به مبارزات سرسخت

نظری و عملی دوام داده اند.

امید است در شرایط نوین جهان

و زندگی مسلمانان دوسعداران

حسین (ع) وجدبزرگوارشان

در مبارزات ضد استبداد و ارتجاع

د ایران اشتراک ورزند.

اشتراک

مرکز: سالانه ۱۰۰ - افغانی
ولایات و پښتونستان:
سالانه ۱۱۰ - افغانی

خارج کشور: سالانه ۱۰ - دالر
قیمت يك شماره ۲ - افغانی
نمبر حساب در پښتنی تجارتي بانک
(۱۴۱۴)

خلق

فعلا هفته یکبار نشر می شود
صاحب امتیاز: نور محمد (تره کي)
مدیر مسؤول: م. حسن (بارق شفيعی)
آدرس: محمد جانخان واپ
(مقابل کابل ښاروالی)
مطبعه دولتی